



تصویر شماره ۱: راشل وایت رید

## حجم‌های معکوس

نگاهی کوتاه به مجسمه‌های راشل وایت رید

حسین کهنی

عضوانجمن مجسمه‌سازان ایران

هماکشاورزی

کارشناس ارشد نقاشی از دانشگاه هنر

بی‌تردید خلق و درک درست نسبت به هر یک از رشته‌های هنری مستلزم توجه و آشنایی دقیق از مواد کاربردی آن می‌باشد. چنانچه در رابطه با ساختار یک مجسمه فرم و فضا از اصول مهم و اساسی هستند که مجسمه‌سازان از هر نگرش و رویکردی بر این دو شاخصه استوار هستند. معنای تحت‌اللفظی فرم عموماً در برگزیده شکل ظاهری شیء یا پدیده است. به‌طور مثال هر چیز که در پیرامون مان به‌طور توده یا ماده مشاهده می‌شود را می‌توان حالتی از فرم خواند. فرم بیرونی یک توده آشکارکننده ساختار ظاهری و فرم درونی مبین محتوا و روح درونی آن می‌باشد. به این صورت ساختار درونی و بیرونی یک توده با یکدیگر عنصری را پدیدار می‌سازد که به‌عنوان فرم کلی یک اثر خوانده می‌شود. البته شایان ذکر است که نباید درون و بیرون یک اثر سه بعدی را از یکدیگر جدا کرد و هر کدام را مستقل به توصیف نشست.

فضا که امروزه در آثار هنر معاصر نقشی کلیدی را ایفا می‌کند، همان محیط پیرامون و مکان قرارگیری یک اثر، جدا از مشخصه ظاهری آن است. فضای یک اثر در بیان ساختاری و درونی فرم تأثیر به‌سزایی دارد به طوری که نمی‌توان در یک مجسمه فضا را جدا از آن بلکه باید فضا را عنصری جدانشدنی و همگام با تولید آن دانست.

زنده ماندن و پویایی یک اثر هنری را می‌توان همچون ماهی در آب دید. هنگامی که فرمی برای یک فضای مشخص طراحی شده است و به فضای دیگری منتقل شود، توده آن تغییری نمی‌کند، اما محتوا و مفهوم کاربردی آن اثر تعبیری متفاوت از خود به‌جا می‌گذارد.

برای نشان دادن نمونه‌هایی از هماهنگی فرم و فضا در مجسمه‌سازی ضمن ارائه بیوگرافی مختصری از راشل وایت رید چند اثر از او را معرفی می‌کنیم:



راشل وایت‌رید<sup>[۱]</sup> به سال ۱۹۶۳ در لندن متولد شد. تحصیلات خود را در «برایتون پلی تکنیک»<sup>[۲]</sup> با رشته نقاشی به پایان رساند و بین سال‌های ۱۹۸۷-۱۹۸۵ در مدرسه هنرهای زیبای «slade» مجسمه‌سازی خواند.

وایت‌رید در سال ۱۹۹۳ به عنوان اولین زن هنرمند، جایزه ترنر را از آن خود کرد و رسماً به دنیای حرفه‌ای مجسمه‌سازی - نه تنها در کشورش بلکه در سراسر جامعه بین‌المللی - قدم گذارد. وی عضو گروه هنرمندان جوان انگلیسی<sup>[۳]</sup> بود. اولین نمایشگاه خود را در سال ۱۹۸۷ برگزار کرد. از دیگر فعالیت‌های وی شرکت در چهل و هفتمین بینال ونیز (۱۹۹۷)، فضاهای منفصل و فانی موزه گوگنهایم برلین (۲۰۰۱)، موزه هنرهای بوستون (۲۰۰۶) و... می‌باشد.

به نظر می‌رسد که آثار وایت‌رید یک رفتار معماری است اما با تعریفی معکوس از آنچه که در ذهن مخاطب نسبت به معماری وجود دارد. هنگامی که آثار وی را مورد مطالعه قرار می‌دهیم به یک واژگونی فضا برمی‌خوریم، یعنی دگرگونی فرم اصلی و فضای کاربردی یک بنا، به این صورت که شما هیچ فضا یا در صورت کنجکاوی هیچ راه ورودی به داخل اثر نمی‌یابید.

پنهان ساخته و مخاطب را به تماشای بیرون و فرم کلی آن دعوت می‌کند. این نشان از هوش و ذکاوتی است که به مخاطب می‌گوید همه تخیلات خود را به کار بگیر و بین درون ناپیدای این چارچوب پر شده و توده بیرونی چه چیزی می‌توانی کشف کنی. دسته دوم شامل حجم‌هایی شفاف است که می‌توان نظاره‌گر درونیات هر حجم شد همچون درهای رزینی (۲۰۱۰)، شبح شبح (۲۰۰۸)<sup>[۴]</sup> و یادبود (۲۰۰۱) که اکثراً با رزین پلی اورتان ساخته شده‌اند که نشان از دنیایی شفاف، هم‌آمیزی فضا و تأثیر بی‌نظیر نور



تصویر شماره ۳: درب‌های رزینی ۲۰۱۰



تصویر شماره ۴: شبح شبح ۲۰۰۸

در اثرش اشاره کرد. به عنوان نمونه مجسمه شهری یادبود (۲۰۰۱) - که در یکی از پر بازدیدکننده‌ترین میدان‌های لندن قرار گرفته است - یکی از ویژگی‌های بارزش تداخل و تأثیرگذاری نور بر آن می‌باشد.

یادبود (۲۰۰۱)<sup>[۵]</sup>

در طول چند سال اخیر، ستون چهارم در گوشه شمال غربی میدان ترافالگر لندن

4-Ghost Ghost(2008).

5- Monument(2001)



تصویر شماره ۲: پله ۲۰۰۱

وایت‌رید آثار خود را مثل یک عکاس، چاپ شده و قاب گرفته تحویل شما می‌دهد و تنها کاری که از مخاطب بر می‌آید این است که با ذهن خلاق خود به خاطرات درون عکس بروید و برای خود تصوراتی از آن روز یا لحظه خاص - که می‌تواند جشن تولد یک سالگی خواهرزاده شما و یا جشن فارغ التحصیلی خود یا عکس پدر بزرگتان باشد - در حالی که به زمان و مکان آن قدم می‌گذارید و مروری بر خاطرات دارید. این که آثار وایت‌رید را یک رفتار معماری می‌خوانم بدین معناست که آثاری از جمله: روح (۱۹۹۳)، خانه (۱۹۹۰) و... همه دارای اتاق خواب، شومینه، آشپزخانه و حتی سرویس بهداشتی‌اند، و همگی در بطن اثر پنهان و غیرقابل مصرف شده‌اند. همچون یک عکس که شاید در آن یک پلیس وظیفه‌شناس، پشت سر مجسمه داوود میکل‌آنژ ایستاده باشد و جلوی آن یک ماشین مازراتی باشد که شما در عین دوست داشتن مجموع عکس به هیچ کدام دسترسی ندارید و باید فقط به نظاره این عکس بنشینید و لذت ببرید.

آثار وایت‌رید را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: یک دسته آثاری که همه چیز را در درون خود

1-rachel whiteread.

2-brighton polytechnic.

3-young british artists (YBAS).



تصویر شماره ۵: یادبود (۲۰۰۱)



تصویر شماره ۶: از مجموعه جدا شده مفصل ۲۰۱۳

نمایش عمومی گذاشته شد. این مجموعه که به حمایت کمپانی اونیلوه ساخته شد، برای پرکردن فضای یکی از سالن‌های وسیع موزه تیت مدرن لندن به کار رفت که آلبوم خاطراتی از آنچه بر زندگی وایت‌رید چه به‌عنوان یک انسان و چه به‌عنوان یک هنرمند-گذشته است و بیشترین تأثیر را بر او داشته است را شامل می‌شود. او در زمان مواجهه با این پیشنهاد، اعتماد کافی برای تقسیم تمام این درونیات با «غریبه‌ها» را نداشت. اما بعد از شش ماه دودلی، این مخاطره را پذیرفت. سرانجام از تمام دل‌مشغولی‌هایش پرده برداشت و بیننده‌هایش را به داخل خانه‌اش دعوت کرد. «خاکریز» وایت‌رید از ۱۴ هزار جعبه سفید از جنس پلی اتیلن ساخته شده که به طرق مختلف روی هم انبار شده و هنر مفهومی را هویتی نو بخشیده‌اند.

بعضی از این جعبه‌ها درست مثل یک کوه روی هم قرار گرفته اند؛ کوهی که از دامنه تا قله‌اش سفید و یکدست است. ارتفاع بعضی از این حجم‌ها تا سقف گالری می‌رسد و بعضی دیگر از قد بیننده‌ها هم تجاوز نمی‌کند. این جعبه‌ها با چسب سر جایشان محکم شده‌اند اما نهادی از ذهن سیال هنرمندی هستند که اندیشه‌هایش را به مغزش قفل نمی‌کند و به‌زودی، آن‌ها را با تجربه‌های شخصی مخاطبانش همراه می‌کند. خودش می‌گوید موارد مختلفی را هنگام جابه‌جا کردن این جعبه‌ها در سر داشته که پرنرنگ‌ترین آن‌ها فیلم «همشهری کین»، «آخرین سفرش به قطب شمال» و البته از دست دادن مادرش بوده است. «در روزهای نخست که از نبود مادرم می‌گذشت، مدام جعبه‌هایی را در خانه‌اش بی‌هدف و بی‌خبر از مقصدی تکان می‌دادم و این طرف و آن طرف می‌بردم». جعبه‌های

به برخی از نوآورانه‌ترین آثار هنری مجسمه جهان پاسخ مثبت داده است. یکی از آثاری که بر روی این ستون خودنمایی کرد اثر «یادبود» وایت‌رید بود که در سال ۲۰۰۱ نصب شد. این اثر که با رزین شفاف ساخته شده است یکی از بهترین آثار وی به‌شمار می‌آید چرا که زیبایی آن مبتنی بر لذات بصری است و برای مکث یک لحظه آرام در مکانی شلوغ و پربازدیدکننده قابل درک می‌باشد. یادبود دارای ساختاری متقارن است و از پایه خود آن اثر قالب‌گیری شده و به‌طور معکوس همچون آثار دیگر وی به نمایش گذاشته شده است. در این کار نور از طریق رزین روشن می‌درخشد و بسته به اینکه روز ابری است یا آفتابی، «یادبود» دچار تغییر رنگ از خاکستری سرد به آبی روشن می‌شود. این اثر به دلیل بزرگترین شیء رزینی که تاکنون ساخته شده در کتاب رکوردهای گینس ثبت گردید.

مدتی بعد گالری گاگوسین نمایشگاهی از آثار وایت‌رید تحت عنوان «جدا شده مفصل» برگزار کرد. عنوان این نمایشگاه از ویژگی آثار او گرفته شد که شامل یکسری در و پنجره‌های قالب‌گیری شده با رزین بود. ضخامت کم این کارها باعث ایجاد تغییرات در نور و سایه می‌شد که بعدی ذهنی و مجازی را می‌ساخت، گویی این آثار با جذب و گاه با انعکاس نور شروع به درخشیدن می‌کنند. نقش نور در بازنمایی حجم و خصوصیات این نوع آثار وایت‌رید شایان توجه است. این نور است که امکان رؤیت اجسام را در فضا برای ما به‌وجود می‌آورد. اکثر آثار بدون رنگ‌پردازی و با مواد شفاف رنگی ساخته شده‌اند. به همین دلیل توجه به میزان تیرگی و روشنی، برجستگی‌ها و فرورفتگی‌ها و ایجاد سایه‌هایی که بر اثر تابش نور به روی آن‌ها شکل می‌گیرد این نوع آثار وایت‌رید را از نظر خلاقیت بصری، چرایی مواد به‌کارگیری و تکنیک آن‌ها قابل اهمیت می‌سازد.

### خاکریز (۲۰۰۵)<sup>۶</sup>

خاکریز اما حکایتی دیگرگونه دارد. این اثر عظیم راشل وایت‌رید در بهار سال ۲۰۰۴ آغاز شد و بالاخره در اکتبر سال ۲۰۰۵ به

6- Embankment(2005)



## روح (۱۹۹۰)<sup>[۷]</sup>

اثر روح را هم می‌توان فضای معکوس یک خانه دید، در واقع قالب گچی دقیقی از اتاق نشیمن خانه‌ای متروکه در خیابان archway لندن است. این خانه به بلوک‌های مختلفی برش خورده و به گالری chisenhale در لندن انتقال یافت در آنجا ترکیب و نصب گردید و اثر توسط چارلز ساعتچی<sup>[۸]</sup> خریداری شد.



تصویر شماره ۸: آلونک ۲۰۱۰



تصویر شماره ۹: خانه ۱۹۹۳



تصویر شماره ۱۰: روح ۱۹۹۰

این اثر حامل دنیایی است که روابط عادی بین اشیاء و سوژه‌ها را به تعلیق در می‌آورد. جایی که اشیاء از طریق تغییر شکل، ماهیتی عجیب و غریب به خود می‌گیرند، مانند شومینه‌ای که به جای

7-ghost(1990).

8- Charles Saatchi.

«خاکریز» از قالب ۱۰ جعبه مقوایی در اندازه‌های مختلف ساخته شده‌اند. کمپانی سازنده این جعبه‌ها آن‌ها را از مواد قابل بازیافت تهیه کرده است؛ نکته‌ای که در نظر بسیاری از منتقدان هنری، تیزهوشی وایت‌رید را برای بیان چندین و چند مفهوم در قالب تنها یک اثر می‌رساند. بیننده‌ها درست زمانی که به در ورودی این گالری قدم می‌گذارند، خود را به کلی از فضای بیرون آن جدا می‌بینند، انگار در حبایی ایزوله شده‌اند و دیگر به جهان خارج از آن تعلق ندارند. اما با هر قدمی که میان این توده‌های سفید برمی‌دارند، خاطره، اندیشه و تجربه‌ای را به یاد می‌آورند که با آن توده جعبه‌های سفید هم‌خوانی دارد. شاید به دلیل همین شخصی بودن اثر است که منتقدان نظراتی متضاد نسبت به آن ارائه داده‌اند. بسیاری آن را ستوده‌اند و بعضی دیگر، درست مثل منتقد روزنامه دیلی میرور، ابراز خوشحالی کرده که این «جبه‌های قند عظیم که بیش از ۴۰۰ هزار پوند قیمت‌شان است» قابل بازیافت هستند.



تصویر شماره ۷: خاکریز (۲۰۰۵)

در آثاری دیگر از وی با قالب‌گیری از خانه‌های عموماً چوبی مجسمه‌هایی در مقیاس طبیعی، فضای درونی خانه را به صورت فرم‌هایی یک پارچه منجمد می‌کند و این کسالت را به نمایی آرام و خیالی تبدیل می‌سازد، به‌عنوان مثال از آثار: «روح ۱۹۹۰»، «خانه ۱۹۹۳»، «آلونک‌ها ۲۰۱۰» که بر لبه آب رو به افق بنا شده و از جدیدترین این بناهای یک پارچه است، می‌توان نام برد.

است-حجمی عظیم را در معرض دید مخاطب می‌گذارد. اثر «خانه» (۱۹۹۳) همان قالب بتنی است که پنجره، در، سقف و آجرهای بنا و ملات‌ها از آن بیرون زده‌اند، در واقع می‌توان چنین توصیف کرد «فضای معکوس یک خانه» که در یک حجم بزرگ قرار گرفته است.

در این خانه دری باز نمی‌شود، اتاق‌هایی که روزی کسی در آن سکنی داشته است، تبدیل به بلوک‌هایی سخت و سنگ مانند شده‌اند. پنجره‌هایی که روزی به بیرون باز می‌شد، اکنون کور و سنگین هستند و شکل نقش برجسته صلیب‌مانندی به خود گرفته‌اند. درهایی که روزی باز می‌شدند، به پنل‌هایی مهر و موم شده از جسمی سخت تبدیل شده‌اند، یا به تابوتی غول‌پیکر و آرامگاهی برای زندگی و خاطرات همه آن‌هایی که روزی در آن زندگی می‌کردند. برای دیدن اثر خانه (۱۹۹۳) باید دور آن چرخید، چرا که نمی‌توان به درون بتنی آن نفوذ کرد، انگار راشل و ایت‌رید ما را به دنیای نگاتیو دعوت می‌کند؛ درست مانند هیجانی که پیش از ظاهر کردن نگاتیو عکس‌های آنالوگ به سراغ عکاس می‌آید. جایی که واقعیت‌های معلوم به صورت واژگون نشان داده می‌شود، جایی شبیه سرزمین عجایب آلیس یا دنیایی که در پشت جیوه آینه فیلم اورفئوس<sup>۱۱</sup> کمین کرده است.

خانه (۱۹۹۳) یک مجسمه است و برخلاف بناهای یادبود که تاریخ را منحصرأ با جریان زندگی انسان‌ها در تعامل می‌داند، یادگار کسانی است که روزی در این خانه زندگی می‌کردند و دیگر نیستند. این جریان زندگی است که تاریخ و یادبودهای تاریخی را می‌سازند، اما خانه‌های راشل و ایت‌رید فقط با زندگی مردم عادی در ارتباط است، آن هم مردمی که زنده نیستند و ربطی به تاریخ ندارند. این اثر، اثری است تاریخی، حماسی، تصویری از چگونگی زندگی همه ما که در میان نوعی سخت‌شدن و مردم‌آمیزی و جامعه‌پذیری قرار گرفته‌ایم، و نه تنها این دو عامل جداناپذیرند، بلکه همانند بخش‌هایی از اتاق‌های به هم پیوسته این خانه هستند.



تصویر شماره ۱۳: مراحل نصب اثر روح ۱۹۹۰

سکونت در جایی که نمی‌توان در آن ساکن شد، خانه‌ای که نمی‌توان به آن وارد شد، این خانه با تفاسیر گفته شده تداعی‌کننده افسانه تتلوس در یونان است، یا مثل این است که شوق رسیدن به چیزی را درون کسی ایجاد کنید، در حالی که آن را برایش غیرقابل دسترس می‌کنید.

اثر خانه به علت سنگینی و اندازه بزرگش، نتوانست از خیابان گراو جابه‌جا شود، بنابراین تخریب گردید. اگرچه این خانه ویران شد اما برای مدت طولانی در حافظه مردم باقی ماند. این خانه در پاییز سال ۱۹۹۳ به اتمام رسید و در ۱۱ ژانویه ۱۹۹۴ تخریب گردید، و نظر



تصویر شماره ۱۱: بخشی از اثر روح ۱۹۹۰



تصویر شماره ۱۲: روح (۱۹۹۰)

قرارداشتن درون دیوار از دیوار بیرون زده و دستگیره‌های دری که از طریق جای خالی‌شان لمس می‌شود، یا تیرهای اصلی ساختمان و خطوط قاب پنجره‌ها که به شکل اسرارآمیزی بر روی دیوارهای بیرونی بنا مانند حروف هیروگلیف بر دیوارهای مقابله مصری نقش بسته‌اند.

### خانه (۱۹۹۳)<sup>۱۲</sup>

در اواخر سده نوزدهم در جنوب شرقی لندن خیابان (گراو) ردیف خانه‌هایی تراس‌دار وجود داشت. خانه‌ای با سبک معماری ویکتوریا، خانه‌ای استثنایی در این خیابان بود. در جنگ جهانی دوم برخی از این خانه‌ها ویران شد و تنها خانه‌ای که از این سری خانه‌ها بر جای ماند خانه ویکتوریایی بود. راشل و ایت‌رید از فضای درونی آخرین خانه به جا مانده، یعنی خانه ویکتوریا، مجسمه فوق‌العاده و غیرمعمولی ساخت و بعدها به عنوان یکی از بزرگترین مجسمه‌های عمومی که توسط یک هنرمند انگلیسی در قرن بیستم ساخته شد مورد ستایش قرار گرفت. وایت‌رید توسط همین اثر به شهرت رسید. این خانه بیشتر از اینکه خانه باشد، تداوم روح در هنر است، این اثر به طور طبیعی نه دیواری دارد نه پنجره و نه سقف و دری، بلکه با پرشدن خانه با بتن رقیق و بعد جداسازی قالب که همان فریم بیرونی خانه





تصویر شماره ۱۴: خانه ۱۹۹۳

ده‌ها هزار بازدیدکننده را به خود جلب کرد که باعث بحث‌های جنجال‌برانگیز در رسانه‌ها و مطبوعات شد.

وایت‌رید تعریف جدیدی از سنت مجسمه‌سازی کارگاهی به جهان هنر معرفی کرد و با استفاده از سوژه‌های معمولی، سنت‌شکنی و آفرینش حجم‌هایی غیرمعمول، از حق و ایدۀ خود حمایت کرد و با مواد، جهان خیال را به واقعیت و ابژه‌ای قابل لمس تبدیل کرد. این دسته از آثار وی و آثار مشابه آن، به نوعی یک آرامگاه هستند، آرامگاه بیشتر مردمی که از خاطراتشان چیزی نمانده است، و این دنیا را ترک کرده‌اند. این آثار درباره‌ی گذشته‌ای برگشت‌ناپذیر و در مورد حقیقتی است که «آنچه از میان رفته، نمی‌تواند احیا شود». گزینش وایت‌رید برای سوژه‌های آثارش، نشان از آگاهی کامل و انسان‌گونه‌ی او از تمام ابزاری دارد که زندگی ما را احاطه کرده‌اند و در بسیاری موارد به آن معنا بخشیده است. او با حذف کاربردها و کارکردهای آشنای آن‌ها، می‌کوشد غیبت و از دست‌دادن را به بیننده منتقل کند. آثار مؤخر این هنرمند انگلیسی به موقعیت جهانی انسان و ارتباط او با پیرامونش می‌پردازد و به همین دلیل از عناصری استفاده می‌کند که در عین در دسترس بودن، مفهومی انتزاعی را در خود پنهان دارند و در نهایت خاطره و یادبود موضوع و پیش‌زمینه‌ی ذهنی آثار را شل وایت‌رید می‌باشد. ■

منابع:

- 1-www.artangel.org.uk
- 2-www.gagosian.com
- 3-www.independent.co.uk
- 4-www.artobserved.com
- 5-www.theguardian.com
- 6-www.smooth-on.com

۷-روزنامه‌ی شرق، شماره ۱۰۹۶، به تاریخ ۸/۸/۸۹



Mohammad Bahabadi / 88x61 cm / 1392

## نبدشتتته هاه نساخوانا

محمد بهابادی | متولد ۱۳۵۰



Mohammad Bahabadi / 41x170 cm / 1392



Mohammad Bahabadi / 49x59 cm / 1392

نوشته‌هایی که خوانده نمی‌شوند، جمله‌هایی که ترتیبشان به هم ریخته است، حروفی که کنار هم چیده شده‌اند، اما واژه‌ای قابل خواندن را نساخته‌اند، همگی تو را به گونه‌ای دیگر از خوانش فرا می‌خوانند. کلمات معنای خود را فرو می‌نهند تا خود به مفهومی عمیق‌تر بدل شوند. آثار محمد بهابادی در برگیرنده کارهایی است که از کاشی‌های حاضر، آماده ساخته شده‌اند. کاشی‌هایی که ترتیبشان به هم ریخته است و به صورت جابه‌جا نصب شده‌اند و در نتیجه امکان خواندن جمله‌ها را از میان برداشته‌اند. این فرآیند روابطی تازه میان شکل حروف ایجاد نموده و بیننده را متوجه امکانات بصری واژه‌ها می‌نماید و زیبایی آن‌ها را فارغ از معنایشان یادآور می‌گردد. به هم ریختن معادلات ذهن مخاطب و پیش‌فرض‌های او درباره کاشی‌ها امکان تمرکز بیننده بر جنبه‌های بصری اشکال و رنگ‌ها را فراهم می‌سازد. هنرمند در این مجموعه از سویی در جست‌وجوی بیانی معاصر و جهانی است و از سوی دیگر نگاهی ستایش‌آمیز به هنر کلاسیک ایران و همه نشانه‌های فرهنگی این سرزمین دارد. به کارگیری اشیاء حاضر، آماده و ایجاد فضایی مدرن از طریق به هم ریختن کاشی‌های سنتی شاید دعوت از ما است برای نگاهی تازه به ارزش‌هایی که غبار گرفتند و به نظر کهنه می‌آیند.

نوید خالصی



Mohammad Bahabadi / 45x105 cm / 1392





آهسته از سمت راست چهار دور بچرخید

Trill Four Cycle From Right Side Slowly

Hamid Reza Ghavipanjah | Mixed Media | 102x68x78 cm 2013

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
آهسته از سمت راست چهار دور بچرخید  
حمیدرضا قویپنجه، متولد ۱۳۵۱

عناصر نئوپاپی که کارکردی نوشتاری و حجمی م یباشند در انتخاب نوشته و نوع اشیاء برای به چال شکشدن فضای بصری و فیزیکی جدید ب هکار رفته است و اما هر اثر دارای زمانی است که مخاطب را درگیر فضای فیزیکی کار نیز م بکند تا معنای مورد نظر هنرمند را در بر بگیرد که مبادا بیش از زمان مورد نظر مخاطب به مفاهیمی چندوجهی دست یابد.

### Trill Four Cycle From Right Side Slowly

Hamid Reza Ghavipanjah, Born 1972

Neopop elements which have script & volume function are used at script selection & kind of objects for challenging a new visual & physical space.

Each work has a "time" which involves the addressee the physical space of the work too.

For having the artist point of view to prevent the addressee reaches multi-concepts because of excessive time.



